

# Parthian and Greek Names Used for the Historical Site "Naqsh-e Rostam" in the Early Sassanid Period Based on the Text of the Inscription of Shapur on the Ka'ba of Zoroaster

Farhad Solat<sup>1</sup>, Farah Zahedi<sup>2\*</sup>

1. PhD Student, Department of Ancient Culture and Languages, Central Tehran Branch, Azad Islamic University, Tehran, Iran
2. Chair Member, National Library of Iran, Tehran, Iran


## Article Info

### Original Article

Received: 2018/09/10;

Accepted: 2019/01/30;

Published Online 2019/03/30

 10.30699/athar.40.1.76

Use your device to scan  
and read the article online



### Corresponding Author

**Farah Zahedi**

Chair Member, National  
Library of Iran, Tehran, Iran

### Email:

[zahediut@gmail.com](mailto:zahediut@gmail.com)

## ABSTRACT

The inscription of the Shapur I (Šāpur I) on the wall of the building known as "KA'BA-YE ZARDOŠT" (Ka'ba of Zoroaster) located in the historical site of Naqsh-e-Rostam (Naqš-e Rostam) in Fars province is undoubtedly one of the largest and most important historical documents of the early Sassanid dynasty in Iran. This inscription is engraved in three scripts of Parthian language, Middle Persian (Sassanid Pahlavi) and Greek on the three walls of the Ka'ba of Zoroaster. Since the excavation of Naqsh-e-Rostam site and the removal of this inscription from the ground, scientists have studied it many times and extracted valuable insights into the geographical, political, cultural and military situation of Shapur's reign. By examining this inscription more closely, it seems that new findings can be made from this valuable inscription that researchers have not yet noticed. In the present study, with more logical reasons for the word *nibušt* in the inscription of Shapur on the Ka'ba of Zoroaster, which has confused many scholars, a more precise meaning has been provided. Thus, the Parthian word *nibušt* is a special name and corresponds to the term "Dezhnebesht / Deznafesht" (**diz [i] nibišt**) in Persian, Arabic and Zoroastrian texts and is probably a name that was used in the early Sassanid period for the historical collection "Naghsh-e Rostam".

**Keywords:** Shapur I inscription, Ka'ba of Zoroaster, Naqsh-e Rostam, Dezhnebesht, Dezhnebesht

Copyright © 2019. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

### How to Cite This Article:

Solat F, Zahedi F. Parthian and Greek Names Used for the Historical Site "Naqsh-e Rostam" in the Early Sassanid Period Based on the Text of the Inscription of Shapur on the Ka'ba of Zoroaster. Athar. 2019; 40 (1) : 69-81

## مقاله پژوهشی

## نام اشکانی و یونانی محوطه تاریخی «نقش رستم» بر اساس متن کتیبه شاپور بر کعبه زرتشت

فرهاد صولت<sup>۱</sup>، فرح زاهدی<sup>۲\*</sup>

۱. دانشجوی دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

## خلاصه

## اطلاعات مقاله

کتیبه شاپور اول ساسانی بر دیواره بنای معروف به «کعبه زرتشت» واقع در محوطه تاریخی نقش رستم استان فارس بی‌تردید یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مستندات تاریخی اوایل سلسله ساسانی در ایران است. این سنگ‌نوشته به سه خط و زبان اشکانی، فارسی میانه (پهلوی ساسانی) و یونانی، بر سه دیواره ساختمان کعبه زرتشت حک شده است. از زمان حفاری محوطه نقش رستم و خارج کردن این سنگ‌نوشته از زمین، دانشمندان بارها به بررسی آن پرداخته و نکاتی گران‌بها درباره وضعیت جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و نظامی دوره سلطنت شاپور از آن استخراج کرده‌اند. با بررسی دقیق‌تر این کتیبه، به نظر می‌رسد می‌توان یافته‌های جدیدی از این سنگ‌نوشته ارزشمند به دست آورد که محققان هنوز به آن توجهی نکرده‌اند. در پژوهش حاضر، با دلایل منطقی برای واژه *nibušt* در کتیبه شاپور بر کعبه زرتشت، که بسیاری از محققان را با خطا مواجه کرده است، معنای دقیق‌تری ارائه شده است؛ بدین ترتیب که واژه اشکانی *nibušt* اسم خاص و منطبق با اصطلاح «دژنیش/دژنشت» در متون فارسی، عربی و زرتشتی است و احتمالاً نامی به شمار می‌آید که در اوایل دوره ساسانی برای مجموعه تاریخی «نقش رستم» کاربرد داشته است.

دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۹

پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۰

انتشار آنلاین: ۱۳۹۸/۰۱/۱۰

## نویسنده مسئول:

فرح زاهدی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

## پست الکترونیک:

[zahediut@gmail.com](mailto:zahediut@gmail.com)

کلیدواژه‌ها: دژنیش، دژنیش، کتیبه شاپور، کعبه زرتشت، نقش رستم

حق کپی رایت انتشار: این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (باز ترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

## مقدمه

در استان فارس قرار دارد. از آنجا که زبان فارسی نو دنباله فارسی میانه است، به نظر می‌رسد با مطالعه تطبیقی متون فارسی دوران اسلامی و مستندات باقی‌مانده از زبان فارسی میانه می‌توان به همسانی‌هایی جدید و نامکشوف میان آنها دست یافت. این امر تنها با پژوهش دقیق و بازخوانی متون و کتیبه‌های بازمانده از دوران پیش از اسلام صورت می‌گیرد. بنابراین، در این پژوهش خواهیم دید که چگونه واژه‌ای در کتیبه سه‌زبانه شاپور بر کعبه زرتشت با اصطلاح «دژنیش» در متون اسلامی و زرتشتی مطابقت دارد و این واژه همانا نام ساسانی «نیش» برای محوطه «نقش رستم» است.

در سال ۱۹۲۳ میلادی (۱۳۰۲ خورشیدی)، Ernst Herzfeld مجموعه تاریخی نقش رستم را برای نخستین بار بررسی و کاوش کرد. وی به کاوش دیواره بیرونی سازه‌های دژگونه ساخته‌شده از آجرهای گلی مربوط به دوران ساسانی پرداخت و بقایای برج و باروهایی را که در دوره ساسانی برای محافظت از این مکان به دور آن کشیده شده بود از دل خاک بیرون آورد (Schmidt, 1970, P. 58). در این مجموعه، بنایی چهارگوش و از نظر ظاهر مشابه اما سالم‌تر از بنای واقع در مجموعه پاسارگاد، موسوم به «زندان سلیمان» سال‌هاست به «کعبه زرتشت» معروف شده است. این بنای سنگی در بخش جنوبی محوطه و در کنار روستای زنگی‌آباد شهرستان مرودشت



شکل ۱. محوطه تاریخی موسوم به «نقش رستم»، در پایین تصویر، بنای معروف به «کعبه زرتشت» مشخص است  
منبع: <http://www.tandistravel.com>

به دلیل پاره‌ای از مخالفت‌ها، فرصت چاپ آن به گونه‌ای دلخواه به دست نیامد و نسخه‌هایی انگشت‌شمار از آن در سال ۱۹۵۳ م. انتشار یافت. محقق دیگری که به بررسی کتیبه‌ها پرداخت، Henning بود که مقالاتی در این باره منتشر کرد. Martic دیگر دانشمندی بود که در سال‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۶۵ براساس متن یونانی کتیبه شاپور کتابی منتشر کرد. Back محقق برجسته در «کتا ایرانیکا»<sup>۱</sup> شماره ۱۸ وجه اشتقاق واژگان کتیبه‌های ساسانی و از جمله کتیبه شاپور بر کعبه زرتشت را بررسی کرده است. همچنین Huyse در مجموعه «کورپوس کتیبه‌های ایران»<sup>۲</sup> (شماره ۳، جلد ۱) به بررسی سه تحریر فارسی میانه، پهلوی اشکانی و یونانی کتیبه شاپور بر کعبه زرتشت پرداخته است. شاپور پس از ذکر پیروزی‌های خود بر رومیان، به برپایی آتش‌های مقدس فراوانی اشاره می‌کند که برای حفظ نام و روان وی و خاندانش بر پا شده بود. واژه مدنظر در این نوشتار در همین بخش از کتیبه قرار دارد. در پایان شاپور فهرستی بلند از افراد صاحب‌منصب و خاندان خودش ارائه می‌دهد که به گفته شهبازی تقریباً نیمی از کتیبه را دربر گرفته است. با اینکه این عناوین و فهرست اسامی به نظر خسته‌کننده است، برای مورخ و پژوهنده دوران اولیه ساسانی بزرگ‌ترین فایده را دارد

کتیبه شاپور بر دیوارهای کعبه زرتشت به سه خط و زبان نوشته شده است:

۱. یونانی در ۷۰ سطر در ضلع جنوبی؛
۲. پهلوی اشکانی در ۳۰ سطر در ضلع غربی؛
۳. پهلوی ساسانی در ۳۵ سطر در ضلع شرقی.

کتیبه کرتیر نیز در ۱۹ سطر به زبان پهلوی ساسانی در زیر تحریر پهلوی ساسانی کتیبه شاپور قرار دارد. بیانی (۲۵۳۵) معتقد است که کتیبه شاپور را باید «قطعنامه انقلاب» دودمان ساسانی تلقی کرد. شاید به این دلیل که شاپور، پسر و جانشین اردشیر بابکان، بنیان‌گذار حکومت ساسانی در این کتیبه، تبارنامه کاملی از خود و دودمانش فهرست کرده و از بسیاری از افراد بلندپایه خاندان ساسان نام برده است. از سنگ‌نوشته شاپور و کرتیر بر کعبه زرتشت تا سال ۱۹۳۶ م. اطلاعی در دست نبود. در این سال، Schmidt آنها را کشف کرد و قالب‌های تهیه‌شده از آنها را به آمریکا و مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو فرستاد. نخستین کسی که به تحقیق آنها پرداخت، Martin Sprengling زبان‌شناس آلمانی‌الصل بود. وی کتاب مهم «ایران در سده سوم میلادی، شاپور بزرگ و کرتیر» را بر پایه این کتیبه‌ها نوشت (Sprengling, 1953)، اما به گفته شهبازی

2. Corpus Inscriptionum Iranicarum

1. Acta Iranica

آمده است که این مکان، محل نگهداری نسخه‌ای از اوستا بوده که روی چرم گاو نوشته شده است. در ارداویرازنامه (Gignoux, 1984, P. 69) که درباره سفر موبدی روحانی به نام ویراز/ ویراف به جهان پس از مرگ است، آمده که نسخه‌ای از اوستا با آب زر روی پوست گاو نوشته و در دزنبشت نگهداشته می‌شده است:

Ud ēn dēn čiyōn hamāg abestāg ud zand abar gāw pōstīhā ī wirāstag ud pad āb ī zarr nibištāg andar staxr pābagān pad **diz [ī] nibišt** nihād ēstād.

«و این دین چنانکه در همه اوستا و زند [است]، بر پوست‌های ویراسته گاو و با آب زر نوشته و اندر استخر پابگان در دزنبشت نهاده شده بود» (ژینیو، ۱۳۸۶، ص. ۴۲).

همان‌طور که مشاهده می‌شود، دزنبشت به صورت **diz [ī] nibišt** [KLYTA npšt] آمده است. ژینیو معتقد است «در همه چاپ‌ها npst به جای npšt آمده است». در متن پهلوی دینکرد سوم و چهارم نیز از «دزنبشت» یاد شده که به همان صورت صحیح **nibišt** ثبت شده است: (Madan, 1911, P. 412).

Dārāi ī Dārāyān hamāg abestāg zand čiyōn zarduxšt az ōhrmazd padīrīft nibištāg dō pa(č)čēn, ēk pad ganj ī šapīgān ēk pad diz ī nibišt dāstan framud.

«دارای دارایان همه اوستا و زند را چونان که زردشت از اورمزد پذیرفت، در دونه‌نسخه نوشته‌شده، یکی را در گنج شپیگان و یکی را در دزنبشت فرمود نگهداری شوند» (رضایی، ۱۳۹۳، ص. ۶۳).

در متون فارسی و عربی نیز واژه دزنبشت با املاهای گوناگون آمده است. در فارسنامه ابن بلخی (ابن بلخی، ۱۳۸۵، ص. ۴۹) این کلمه سه بار آمده است. نخستین جایی که این واژه آمده است، چنین است:

«و چون زردشت بیامد، وشتاسف او را به ابتدا قبول نکرد و بعد از آن او را قبول کرد و کتاب زند آورده بود همه حکمت بر ۱۲ هزار پوست گاو دباغت کرده نبشته بود به زر و وشتاسف آن را قبول کرد و به اصطخر پارس کوهی است کوه نفشت (در برخی نسخه‌ها: نقشت) گویند کی همه صورت‌ها و کنده‌کاری‌ها از سنگ خارا کرده‌اند و آثار عجیب اندر آن نموده و این کتاب زند و پازند آنجا نهاده بود...»

تفاوت املائی این واژه در متن فارسنامه و متون پهلوی، در رخداد «ف» به جای «ب» (نبشت/ نفشت) است که البته در برخی نسخه‌ها «ق» به کار رفته است. سامی (۱۳۸۹)

(شهبازی، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۵). با توجه به اسناد و شواهد، Gropp به‌درستی تشخیص داده است که این آخرین بار است که از خط و زبان یونانی در کتیبه‌های ایرانی استفاده می‌شود (Gropp, 2009, P. 271-272).

## روش و پیشینه پژوهش

در این پژوهش ابتدا واژه دز/ دزنبشت در متون فارسی، عربی و زرتشتی بررسی خواهد شد. سپس دیدگاه‌های محققان درباره اطلاق واژه «دزنبشت» به بنای کعبه زرتشت و تخت سلیمان شیز آمده و نقد و بررسی شده است. پس از این، با توجه به داده‌ها و اطلاعات موجود در کتیبه شاپور بر کعبه زرتشت، اصطلاح «نبوشت» (nibušt) در این کتیبه بررسی معنایی شده است. همچنین با تکیه بر مستندات و دلایل کافی و منطقی، همانندی مفهوم واژه «دزنبشت/ دزنبشت» در متون دوره اسلامی با واژه پهلوی اشکانی «نبوشت» (nibušt) در سنگ‌نوشته شاپور بر کعبه زرتشت اثبات شده است. همچنین به تفاوت معنایی و ریشه‌شناختی واژه «نبوشت» و واژه مصطلح «نبشت/ نوشت» پرداخته شده است. در ادامه پرسش‌های این پژوهش آمده است: ۱. واژه «نبوشت» در کتیبه شاپور بر کعبه زرتشت به چه معناست و آیا با واژه «نبشت/ نوشت» متفاوت است؟

۲. چه ارتباط معنایی میان واژه «نبوشت» و اصطلاح «دزنبشت» وجود دارد و آیا این دو اصطلاح یکسان هستند؟ ۳. آیا نام‌های «نبوشت» (دوره ساسانی) و «دزنبشت» (دوران اسلامی) اصطلاحاتی یکسان و برای اطلاق به محوطه تاریخی «نقش رستم» بوده‌اند؟ فرضیه‌های پژوهش نیز بدین شرح هستند:

۱. معنا و ریشه واژه «نبوشت» با واژه «نبشت/ نوشت» متفاوت است و درواقع «نبوشت» نام خاص مکان است. ۲. واژه «نبوشت» در دوره ساسانی و اصطلاح «دزنبشت» در دوره اسلامی یکسان هستند و با تغییر دوره تاریخی، کلمه «نبوشت» به صورت «دز نبشت» استفاده شده است. ۳. نام‌های «نبوشت» (دوره ساسانی) و «دزنبشت» (دوران اسلامی) اصطلاحاتی یکسان و برای اطلاق به محوطه تاریخی «نقش رستم» بوده‌اند.

## واژه دز/ دزنبشت در متون فارسی و عربی و زرتشتی

در متون پهلوی در سده‌های نخستین اسلامی و نیز متون عربی و فارسی این دوره، به جغرافیای محلی به نام «دز یا دزنبشت (نفشت)» اشاره شده است. در همه این متون



«... و إن زرادشت ابن أسفیمان ظهر بعد ثلاثين سنة من ملكه فادعى النبوة و أراده على قبول دينه، فامتنع من ذلك ثم صدقه و قبل ما دعاه إليه و أناه به من كتاب ادعاه و حياً، فكتب في جلد اثني عشرة ألف بقرة حفراً في الجلود و نقشا بالذهب، و صير بشتاسب ذلك في موضع من إصطخر، يقال له دزنبشت، و وکل به الهراذة و منع تعليمه العامة» (الطبري، ۱۹۶۷، ص. ۵۶۱): «به سال سیام پادشاهی بشتاسب، زرادشت پسر اسفیمان ظهور کرد و دعوی پیمبری داشت و بشتاسب را به دین خویش خواند که در اول نپذیرفت. سپس به دین وی گروید و کتاب وی را که وحی می پنداشت، پذیرفت. کتاب زرادشت بر پوست دوازده هزار گاو حک شده بود و به طلا منقش شده بود و بشتاسب آن را در استخر در جایی به نام دزنبشت<sup>۴</sup> نهاد و هیربدان بر آن گماشت و تعلیم آن را به عامه ممنوع داشت» (پاینده، ۱۳۵۲، ص. ۷۶).

مشاهده می شود که طبری نیز موضع «دزنبشت» را مانند متون مشابه در اصطخر می داند و تشابه جملات آن با متون فارسی مانند فارسنامه، نشان دهنده این است که شاید طبری و دیگران منبع یکسانی داشته اند. رجبی (۱۳۸۰) در مقاله ای با عنوان «دزنبشت» به جانمایی و کشف مکان واقعی این دژ تاریخی پرداخته است. وی ابتدا با رد دلایلی مبنی بر تطبیق دزنبشت بر نقش رستم فارس، بدون ادله و مستندات قابل قبول، آتشکده آذرگشنسب در «شیز» آذربایجان را با دزنبشت منطبق کرده است و دزنبشت را که مرکز اسناد دینی ایران باستان است، بخشی از آذرگشنسب تصور می کند، اما وی نیز مانند دیگران احتمال نمی دهد که «نبشت» را بتوان به صورت دیگری تلفظ کرد؛ بنابراین معنای دیگری را برای آن در نظر گرفته که هیچ ارتباطی به «نبشته» یا «نوشته» نداشته باشد. او نتیجه گیری می کند: «بنابراین، چنانچه معبد آذرگشنسب را مرکز اسناد دینی ایران باستان بدانیم، خالی از اشکال است، مگر آنکه به فرض محال [!] تن دهیم و بگوییم در ایران باستان، مرکزی برای نگهداری اسناد دینی وجود نداشته است. اگر هم بخواهیم این مرکز را در جای دیگری [غیر از آذرگشنسب] بدانیم باید نشانه ای از آنجا بیابیم» (رجبی، ۱۳۸۰، ص. ۷).

این گفته وی در حالی است که هیچ دلیل قابل استناد و مطمئنی مبنی بر وجود مرکز نگهداری اسناد دینی زرتشتی در آتشکده «شیز» ارائه نمی دهد و تنها با حدس و گمان این

معتقد است که در «کوه نفشت» تحریفی رخ داده و بر این باور است که صورت صحیح آن «کوه نقشت» است؛ یعنی کوهی که دارای نقوش است. دلیل این را نیز توضیحی می داند که ابن بلخی بعد از این واژه آورده است: «کی همه صورتها و کنده کاریها از سنگ خارا کرده و آثار عجیب اندر آن بود...». نکته مهم در این متن فارسی، تطبیق توصیفات ذکر شده درباره کوه نفشت است. به گمان نگارنده کوه نفشت فارسنامه همان کوه نقش رستم فارس است که نقوش و سنگ نگاره هایی دارد. سامی در این باره می گوید: «نام کوه نقش رستم در اول، کوه نفشت (کوه کتیبه ها) بوده است؛ زیرا کتاب اوستا در آنجا نگهداری می شد (ابن بلخی، ۱۳۸۵، ص. ۴۹) و نیز اصطلاح پهلوی «دزنبشت»، «دژ کتیبه ها» ممکن است برای خود کعبه زرتشت مورد استفاده باشد...» سامی در این مورد با دیگر محققان هم عقیده است که واژه نبشت با نوشتن یا نبشتن هم ریشه است و «نبشت» را بن ماضی از مصدر «نبشتن» می داند. دیگر آنکه وی این واژه را مختص و مربوط به ساختمان موسوم به «کعبه زرتشت» می داند. احتمالاً این گرایش از باور هنینگ (Henning, 1963) سرچشمه می گیرد که عقیده داشت اصطلاح «دزنبشت» مربوط به بنای کعبه زرتشت است، اما سامی درباره آن تردید دارد: «... و اما اینکه کعبه زرتشت آن طور که استاد هنینگ حدس زده همان دزنبشت مورد اشاره در فارسنامه ابن بلخی یا نامه کرتیر یا ارداویرافنامه یا دینکرد یا سایر نوشته های مورخان بعد از اسلام باشد، محتاج تعمق و مطالعه بیشتری است و دزنبشت تخت جمشید یا استخر جایی غیر از برج کعبه زرتشت بوده است».

دیگر متن فارسی که به طور غیرمستقیم به دزنبشت اشاره می کند و نامی از آن نمی برد و تنها به استخر اشاره دارد «نامه تنسر» (نامه تنسر به گشنسب، ۱۳۹۲، ص. ۵۴) است: «... می دانی که اسکندر کتاب دین ما [بر] ۱۲ هزار پوست [گاو] بسوخت به اصطخر، سیکی<sup>۲</sup> از آن در دلها مانده بود...».

هر دو متن فارسی یعنی فارسنامه و نامه تنسر به قراردادن نسخه ای از اوستا در استخر/ اصطخر اشاره دارند و با توجه به نزدیکی نقش رستم و ویرانه های شهر استخر، باز هم احتمال تطبیق دزنبشت و نقش رستم افزایش می یابد. شاخص ترین متن عربی که «دزنبشت» در آن ذکر شده «تاریخ طبری» است:

<sup>۴</sup> در ترجمه پاینده: دربشت

<sup>۲</sup> یک سوم

«بن‌خانگ» بوده است، اما هنوز دربارهٔ کاربری آن شک و تردیدهای زیادی باقی است؛ با این حال با توجه به اهمیت این بنا و توجیحات گوناگونی که دلالت بر هخامنشی بودن بنا دارد، به ذکر تعدادی از دلایل سامی در این باب می‌پردازیم (سامی، ۱۳۸۹، ص. ۵):

۱. استفاده از سنگ‌های سیاه در زمینه سفید که از ویژگی‌های معماری پاسارگاد است.
۲. بست‌های دم‌چلچله‌ای بیشتر به دورهٔ داریوش بزرگ و خشایارشا تعلق دارند و شیوهٔ همترازسازی سنگ‌ها مربوط به ساخت‌های آغازین تخت جمشید است.
۳. در و درگاه ورودی بنا مانند در و درگاه ورودی آرامگاه‌های شاهان هخامنشی است و در طراحی همهٔ آنها از طرح آرامگاه داریوش بزرگ استفاده شده است.
۴. شیوهٔ چیدمان سنگ‌ها که بدون ملاط و بی‌نظم است، نخستین قسمت‌های سکوی تخت جمشید را که در زمان داریوش بزرگ ساخته شده به یاد می‌آورد. به‌ویژه سنگ‌نبشتهٔ پی بنای دیوار جنوبی تخت جمشید تقریباً به اندازهٔ سنگ‌هایی است که بر سقف کعبهٔ زرتشت نهاده شده است.

#### بند ۳۳ کتیبهٔ شاپور بر کعبهٔ زرتشت مطابق تقسیم‌بندی

##### CII<sup>۶</sup> و ذکر واژهٔ «نبوشت»

شاپور پس از اینکه متصرفات خود را برمی‌شمارد، این‌گونه ادامه می‌دهد که در هریک از آن سرزمین‌ها آتش بهرام برپا کرده است و برای مغ‌مردان (روحانیون زرتشتی) کار خیر بسیار انجام داده و ایزدان بزرگ را ستایش کرده است. در بند ۳۳ نیز به ذکر جزئیات بنای آتشگاه‌هایی که ایجاد کرده است، می‌پردازد. برای مشخص‌تر شدن موضوع، تحریرهای سه‌گانهٔ بند ۳۳ (بر پایهٔ تقسیم‌بندی CII) همراه با ترجمه و تشریح محققان آورده می‌شود:

#### الف) تحریر پهلوی اشکانی

##### حرف‌نویسی

W TNEš pty npwšt YØYBWm 'trw HD hwsrwš  
hypwhr ŠME pty LN 'rw'n Wp'šn'm 'trw HD  
hwsrw'trw'nhtyE ŠME pty 'trw'nhtyE MLKTE  
MLKTE LN

مکان را همان «دژنبشت» می‌پندارد. دربارهٔ نام کهن بنای موسوم به «کعبهٔ زرتشت» باید گفت که براساس کتیبهٔ کرتیر روی این بنا، نام آن در اوایل دورهٔ ساسانی «بن‌خانگ» (بن‌خانه) بوده است. با توجه به نظر شهبازی (۱۳۵۷) اصطلاح «کعبهٔ زرتشت» جدید و غیرعلمی است و سابقهٔ آن به حدود قرن چهاردهم میلادی می‌رسد. وی بر این باور است که نام محلی این بنا «کرنای‌خانه» یا «نقاره‌خانه» بود و اروپاییان به دلیل اینکه درون این بنا از دود سیاه شده بود، آن را مکان ویژهٔ پرستش آتش دانستند و چون زرتشتیان را به اشتباه «آتش‌پرست» می‌خواندند، اینجا را هم بدانان نسبت داده و آتشگاه زرتشتیان نامیدند. این تعبیر به دلیل شکل مکعبی بنا و سنگ‌های سیاهی که در زمینهٔ سفید دیوارهای آن نشانده شده و یادآور حجرالأسود کعبهٔ مسلمانان بود، به کعبهٔ زرتشت معروف شد (شهبازی، ۱۳۵۷، ص. ۲۷). آغاز بند سوم از کتیبهٔ کرتیر که احتمالاً نام بنا یعنی «بن‌خانه» در آن ذکر شده این‌گونه است:

... ud ēn and ādur ud kardagān čē pad nibišt ān-  
am ōh gōnag-tar

3- šābuhr šāhān šāh pad wāspuhragān pāymār  
kard kū-t **bun-xānag** ēn ēw beh ud čiyōn dānē kū  
kard yazadān ud amā weh ōgōn kun...

(عریان، ۱۳۸۲، ص. ۱۸۷)

«... و این تعداد آتش و کارهای نیک که در نوشته

(کتیبه) است (برنوشته شده)، آن را شاپور شاهنشاه به من در برابر املاک خالصه سپرد که تو را این بن‌خانه (ساختمان کعبهٔ زرتشت) باشدی و آن‌گونه که می‌دانی که کارهای مربوط به ما بسیار نیک باشد، همان‌گونه کن...»<sup>۵</sup>

Henning (۱۹۵۷) معتقد است که معنای واژهٔ بن‌خانگ

(bun-xānag) خانه یا مکان بنیادی و اصلی است و نتیجه می‌گیرد که این برج به‌عنوان ساختمانی اصلی و مرکزی برای امور مذهبی کاربری داشته است. او پیشنهاد می‌دهد که اتاق خالی بالای این مکان ایمن، مخصوص نگهداری اسناد دینی و حتی محافظت از نسخهٔ اصلی اوستا بوده است. اگرچه ترجمه‌ها و تفسیرهای دیگری از بن‌خانگ انجام شده است (Gignoux, 1991, 28-29)، اما Von Gall بر این باور است که پذیرفته‌ترین تفسیر، کاربری دو بنای نقش رستم و پاسارگاد به‌عنوان مکانی برای نگهداری اسناد یا امانتگاه بوده است (Von Gall, 2009). مسلم است که نام بنای چهارگوش معروف به کعبهٔ زرتشت دست‌کم در اوایل دورهٔ ساسانی

<sup>۵</sup> ترجمه از نگارندگان است.

<sup>۶</sup> Corpus Inscriptionum Iranicarum

Ohrmezd-Ardašīr, wuzurg šāh Arminān ī amā pūsar ruwān ud pannām (Ibid, 1999, Band 1, 46)

### ج) تحریر یونانی

καὶ εἰς τοῦτο τὸ νιβυστ καθιδρύσαμεν πυρεῖον ἐν, χοστρω-σαβουρκαλούμενον εἰσιμέτεραν μνειάν και ὀνόματος συντήρησιν, πυρεῖον ἐνχοστρω-αδουραναιδ καλούμενον εἰς τὴν ἀδουρ-αναιδ τῆς βασιλίσσης τῶν βασιλίσσων τῆς θυγατρὸς ἡμῶν μνειάν και ὀνόματος συντήρησιν, καιπυρεῖον ἐν χοστρω-ορμισδαρταξερ καλούμενον εἰς τὴν ὄρμισδαρταξερτοῦ μεγάλου βασιλέως ἀρμενίας υἱοῦ ἡμῶν μνειάν και ὀνόματος συντήρησιν (Ibid, 1999, Band 1, 45-46)

### د) ترجمه براساس دیدگاه بیشتر محققان

«و نیز در اینجا بنابراین نبشته، نشان‌دیم (برقرار کردیم): آتشی (آتشگاهی) به نام خسرو شاپور، برای روان خودمان و ماندگاری ناممان؛ آتشی به نام خسرو آذر اناهید برای روان و ماندگاری نام دخترمان آذر اناهید، شهبانوی شهبانوان. آتشی به نام خسرو هرمزد اردشیر برای روان و ماندگاری نام پسرمان، هرمزد اردشیر، شاه بزرگ ارمنستان»<sup>۷</sup> (Ibid, 1999, P. 45-46).

### نظر محققان درباره معنای nibušt (یونانی: νιβυστ)

سامی (سامی، ۱۳۹۸) براساس تحقیقات Sprengling ابتدای بند ۳۳ را این‌گونه ترجمه کرده است: «و در اینجا نیز به وسیله این کتیبه، آتشی به نام آتش نیکنام شاپور برای شادی روح ما و نگهداری نام ما...»

BRTY 'rw'n W p'sn'm 'trw HD hswrw'hwrnzd'rthštr ŠME pty 'hwrnzd'rthštr RBA MLKA 'rmnyn LN BR Y 'rw'n W p'sn'm (Huysse, 1999, Band 1, 45)

### آوانویسی

Ud ēd-iž pad nibušt nišāyām: ādur ēw Husraw-Šābuhr nām, pad amā arwān ud pāšnām; ādur ēw Husraw-Ādur-Anāhīd nām, pad Ādur-Anāhīd bāmbišnan bāmbišn amā duxt arwān ud pāšnām; ādur ēw Husraw-Ohrmezd-Ardašīr nām, pad Ohrmezd-Ardašīr wuzurg šāh Arminān amā puhr arwān ud pāšnām (Ibid, 1999, Band 1, P. 46)

### ب) تحریر فارسی میانه

#### حرف‌نویسی

W TNEc [PWN np]šty [YTYBWNm NWRA I] hswlwbšhpwhry ŠM PWN 'twr'nh[yt MLKTAn MLKTA ZY LNE BRTE] lwb'n W ptn'm [NWRA I] hswlwb'whrmzd'rthštr ŠM PWN 'whrmzd'rthštr LBA MLKA 'lmn'n ZY LNE BREr lwb'n W ptn'm (Ibid, 1999, Band 1, 45)

### آوانویسی

Ud ēdar-iz [pad nib]išt [nišāyēm: ādur 1] Husraw-Šābuhr nām, pad amā ruwān ud pannām; ādur 1 Husraw-Ādur-Anāhīd nām, pad Ādur-Anāhīd, bāmbišnān bāmbišn ī amā duxt] ruwān ud pannām; [ādur 1] Husraw-Ohrmezd Ardašīr nām, pad

IV, 2 And here, also, by the inscription we found(ed) one fire, Good Fame of Shahpuhr by name, for our soul (memory) and after-name (name-preservation); one fire, Good Fame of Atūr-Ānahīt by name, for Atūr-Ānahīt's, the Queen of Queens, our daughter's, soul (memory) and after-name (name-preservation); (Greek adds and) one fire, Good Fame of Ōhrmīzd-Artakshatr by name, for Ōhrmīzd-Artakshatr's,

شکل ۲. بخشی از کتاب Sprengling (1953, P. 17) که شامل ترجمه بند ۳۳ می‌شود

«و بر (درون) این کتیبه...» و توضیح می‌دهد: «خوانش nibušt در تحریرهای فارسی میانه و پهلوی اشکانی قطعی و مسلم نیست؛ زیرا تا حدودی با واژه npšty [نوشته/کتیبه] که در کتیبه کرتیر بر کعبه زرتشت است، مطابقت و هم‌خوانی دارد؛ درواقع به‌ظاهر کرتیر به کتیبه شاپور بر کعبه زرتشت [که نسخه فارسی میانه آن بر بالای کتیبه کرتیر قرار

Sprengling واژه nibušt را به همراه حرف اضافه pad «به‌وسیله/به‌واسطه این کتیبه» (by the inscription) معنا کرده است؛ درواقع وی واژه مورد نظر را به جای nibišt (نوشته/کتیبه) گرفته است. Huysse نیز آغاز این بند را چنین معنا می‌کند:

Und auf (=mittels) dieser Inschrift ... (Huysse, 1999, Band 1, P. 46)

۷. ترجمه آلمانی را نگارندگان انجام داده‌اند.

اشاره می‌کند که واژه *nibišt* در دیگر جاهای این کتیبه به صورت هزوارش *YKTYBWN* آمده است که بن ماضی فعل *nibištan* است. وی یادآور می‌شود که صورت *npwšt* (همراه با نویسه *-w* غیراشتقاقی) در تحریر یونانی به صورت  $\nu\beta\upsilon\sigma\tau$  (آوانویسی: *nībust*) به جای صورتی مشتق از  $\gamma\rho\acute{\alpha}\phi\omega$  (آوانویسی: *grafu*) «نگاشتن، نوشتن» آمده است. او به این نکته می‌پردازد که اگر واژه پهلوی اشکانی *nibušt* معادل و همان *nibišt* فارسی میانه و هم‌معنا با آن باشد، باید در تحریر یونانی معادل آن، صورتی مشتق از واژه یونانی  $\gamma\rho\acute{\alpha}\phi\omega$  دیده می‌شد، اما به ظاهر در تحریر یونانی، این واژه از واژه پهلوی اشکانی گرت‌برداری شده و به صورت  $\nu\beta\upsilon\sigma\tau$  نوشته شده است. او بیش از این توضیح نمی‌دهد و دوباره به سراغ نکته‌ای که دیگر محققان پرداختند، می‌رود و معنای واژه را «کتیبه» (*inscription*) [اشاره به کتیبه شاپور بر کعبه زرتشت] ارائه می‌دهد. با این حال اشاره می‌کند که همچنان ابهاماتی وجود دارد (Back, 1978, P. 236-237).

#### دلایلی بر رد معنای «کتیبه» یا «نوشته» برای واژه *nibušt*

۱. در تحریر یونانی واژه *nibušt* به صورت  $\nu\beta\upsilon\sigma\tau$  (آوانویسی: *nībust*) آمده است که اگر *nibušt* به معنی «کتیبه» یا «نوشته» باشد، منطقاً باید معادل یونانی آن نیز واژه‌ای به معنی نوشته یا کتیبه ثبت می‌شد. به نظر نگارنده *nibušt* نه تنها معادلی برای *nibišt* و در معنای کتیبه یا نوشته نیست، بلکه به احتمال زیاد اسم خاص بوده است. Back واژه پهلوی اشکانی *nibušt* را از صورت ایرانی باستان *ni-pišta-* می‌داند که در فارسی باستان این ریشه به صورت *paiθ-* است که به همراه پیشوند *ni-* به معنای «نوشتن» آمده است. وی معتقد است که *npwšt* یک *TT* (Target Text)<sup>۸</sup> است که در این بخش از کتیبه شاپور ممکن است معنای «کتیبه» [اشاره به کتیبه شاپور] داشته باشد (Back, 1978, PP. 236-237).

۲. اگر صورت پهلوی اشکانی *nibušt* (یونانی:  $\nu\beta\upsilon\sigma\tau$ ) در جمله مورد نظر معادل *nibišt* و در

دارد [اشاره می‌کند] (Huyse, 1999, P. 104). باید یاد آور شد که منظور Huyse انتهای بند دوم از کتیبه کرتیر (KKZ) است که در آن به نبشته یا کتیبه شاپور بر کعبه زرتشت (ŠKZ) اشاره شده است:

«و به فرمان شاپور شاهان شاه و حمایت ایزدان و شاهان شاه در سرزمین‌های گوناگون در همه جا اعمال و مناسک دینی بسیار فزونی یافت، آتش‌های بهرام بسیاری نشانده شد، مغ مردان بسیاری خوشبخت و کامیاب شدند و پیمان‌نامه‌های بسیاری برای آتش‌ها و مغان مهر شدند و برای اورمزد و ایزدان از آن سود بسیاری رسید، اما به اهریمن و دیوان بزرگ زیان [رسید] و برای این آتش‌ها و کردگان (مناسک دینی) که در نبشته (کتیبه) [ذکر شده‌اند]...»

بدین ترتیب، Huyse به درستی تشخیص داده که منظور از «نبشته» (*nibišt*) همان کتیبه شاپور بر کعبه زرتشت است، اما گمان می‌رود تطبیق *nibušt* در بند ۳۳ کتیبه شاپور با این *nibišt* درست نباشد؛ زیرا به دلایل گوناگون این دو واژه با یکدیگر انطباق ندارند. Maricq (۱۹۵۸) نیز تحریر یونانی ابتدای بند ۳۳ را چنین ترجمه کرده است:

«و با این کتیبه، ما بنیان گذاشتیم: آتشی به نام خسرو-سابور (معروف به سابور / شاپور)»

مشاهده می‌شود که وی نیز مانند Huyse و Sprengling معادل یونانی  $\nu\beta\upsilon\sigma\tau$  (آوانویسی: *nībust*) را در تحریر پهلوی اشکانی به صورت *nibušt* و به معنی «کتیبه / نبشته» خوانده است. Maricq این ادعای خود را با حرف نویسی *npšt* در تحریر پهلوی اشکانی تأیید می‌کند و ابتدای جمله پهلوی اشکانی و فارسی میانه را به صورت: «و اینجا توسط کتیبه...» ترجمه می‌کند (Maricq, 1958: 316). Frye (۱۳۸۰) نیز در ترجمه این بند چنین آورده است:

«و اینجا از طریق این کتیبه، ما (شاپور) آتشی به نام خسرو-شاپور را بنیان گذاشتیم برای...»

وی نیز *nibušt* را معادل *nibišt* (نبشته / کتیبه) گرفته است؛ زیرا معنای ارائه شده به دلیل وجود حرف اضافه *pad* است که پیش از آن قرار دارد؛ در واقع، Frye، واژه *pad* را «از طریق، به واسطه» معنا کرده است. Back (۱۹۷۸) با نگاه تیزبینانه خود نظری متفاوت از دیگران بیان می‌کند. وی

<sup>۸</sup> به معنای متنی ترجمه شده است که متناسب با زبانی که بدان برگردانده می‌شود، نوشته می‌شود و در نتیجه، ترجمه‌ای از متن اصلی است؛ بنابراین *TT* (Target Text) برآیندی قابل درک و مفهوم از متن است.



او حرف اضافه pad را به آلمانی auf ترجمه کرده است که به معنای «بر، روی، در» است. همچنین برای روشن‌تر کردن معنای جمله آن را با mittels به معنای «درون، داخل» برابر دانسته است، اما باز همچنان واژه مورد نظر را «کتیبه» (بدین نحو: Inschrift) شناخته و ترجمه کرده است:  
 «و بر (درون) این کتیبه آتشی به نام خسرو- شاپور نشانندیم». برخی محققان مانند Frye، به منظور رفع ابهام «بر طبق این کتیبه» را جایگزین «این کتیبه» کرده‌اند.  
 3. در ابتدای تحریر یونانی بند ۳۳ داریم:

معنای کتیبه یا نبشته در نظر گرفته شود، معنی جمله دچار ابهام می‌شود:  
 Ud ēd-iž pad **nibušt** nišāyām: ādur ēw Husraw-Šābuhr nām...  
 (Huyse 1999, Band 1, 46; SEG 20: 324; IK Estremo Oriente 261, V.65)  
 برگردان واژه به واژه این جمله چنین است:  
 «و اینجا نیز در «نوشته/کتیبه» نشانندیم: آتشی به نام خسرو- شاپور<sup>۹</sup>»  
 Huyse در آخرین پژوهش انجام‌شده روی این کتیبه، این بخش را این‌گونه معنا کرده است:

Und auf (= mittels) dieser inschrift ... (Huyse 1999, Band 1, P. 46)

κὰι	εἰς	τοῦτο	τὸ	νιβυστ
حرف ربط (و)	حرف اضافه (بر، روی، در)	صفت اشاره (این)	حرف تعریف اسم خنثی	اسم

مفرد خنثی قرار دارد.<sup>۱۰</sup> این عبارت در تحریر یونانی حاوی معنای «از طریق» یا «مطابق» نیست، بلکه با تحریرهای پهلوی اشکانی و فارسی میانه ēd و ēdar هم‌خوانی دارد. در تحریر پهلوی اشکانی آرایش جمله بدین صورت است:

در این عبارت، ترکیب εἰς τοῦτο به معنای «درون این» یا «روی این» درست پیش از νιβυστ (nibust) آمده است و واژه τοῦτο صفت اشاره برای νιβυστ است. همچنین حرف تعریف τὸ نشان می‌دهد که واژه νιβυστ در حالت مفعولی

Ud	ēd	iž	pad	nibušt	nišāyām
حرف ربط (و)	قید مکان (اینجا)	قید (نیز)	حرف اضافه (در، بر)	اسم	فعل (قرار می‌دهیم)

در تحریر فارسی میانه، آرایش جمله از این قرار است:

Ud	ēdar	iz	[pad	nib išt	[nišāyēm]
حرف ربط (و)	قید مکان (اینجا)	قید (نیز)	حرف اضافه (در، بر)	اسم	فعل (قرار می‌دهیم)

بازدید می‌کنیم که از مولاژ کتیبه<sup>۱۱</sup> انجام شد، متأسفانه به دلیل خوردگی و فرسایش زیاد، خوانشی دقیق از آن به دست نیامد. هدف از قرائت دقیق تحریر فارسی میانه، مقایسه w- در تحریرهای پارتی و یونانی (پارتی: npwšt و یونانی: νιβυστ) با نسخه فارسی میانه بود؛ زیرا با توجه به املاي nibišt در متون متأخر پهلوی زرتشتی، وجود یا نبود w- در آن، سرنخ‌های جالبی از تفاوت معنایی nibišt (به معنای نوشتن)

در نتیجه در تحریر یونانی، عبارت εἰς τοῦτο برابر ēd و ēdar در تحریرهای فارسی میانه و پهلوی اشکانی است.

### بررسی تحریر فارسی میانه (پهلوی ساسانی) واژه اشکانی nibušt

واژه معادل nibušt در تحریر فارسی میانه کتیبه شاپور بر کعبه زرتشت در اواخر سطر ۲۲ قرار گرفته است. در

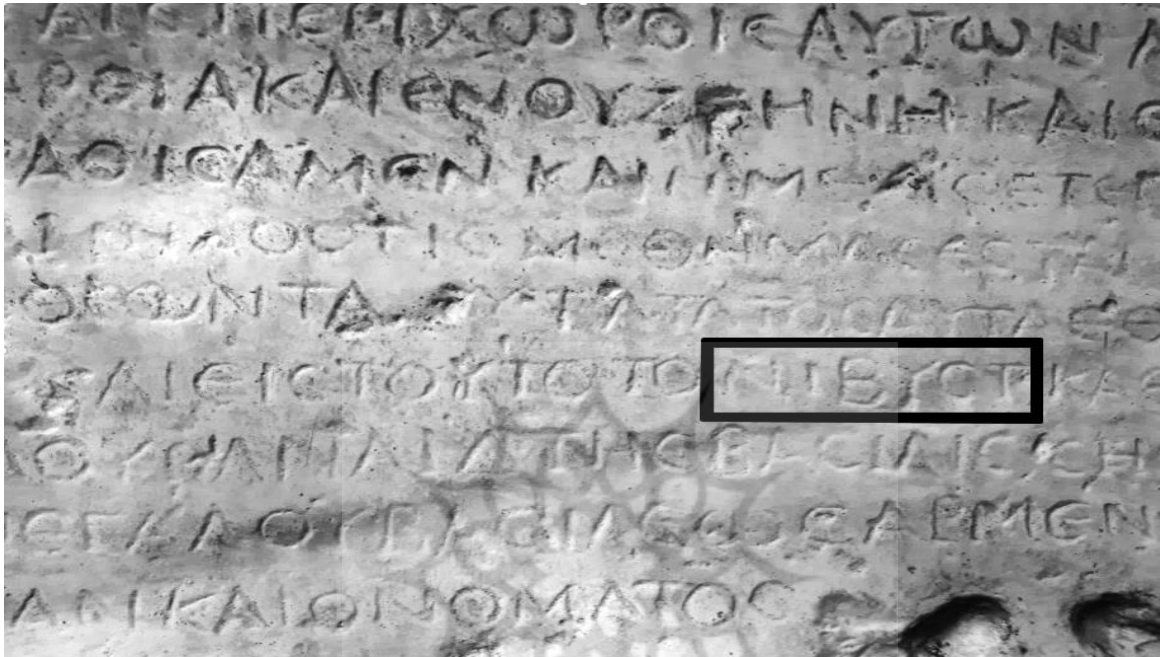
<sup>۱۰</sup> در دستور زبان یونانی کلمه‌ای که پس از حرف اضافه εἰς قرار دارد در حالت مفعولی می‌آید (Liddell, 1996: 1196)  
<sup>۱۱</sup> واقع در باغ کتیبه‌ها، مجموعه فرهنگی- تاریخی نیاوران تهران

<sup>۹</sup> Frye نیز آن را به همین شکل معنا کرده است:

1. And here by this inscription we found a fire Khosro-Shapur by name for ...

آورده و معتقد است که -w- در این فعل غیراشتقاقی است (MacKenzie, 1978, P. 504) که البته نویسه -w- در تحریر پهلوی اشکانی nibušt با نویسه -w- مورد اشاره مکنزی متفاوت است؛ زیرا حرف نویسی واژه nibušt به صورت هزارش نیامده است و حضور آن در تحریر یونانی (v=u) نیز تأییدکننده تلفظ حرف u در تحریر پهلوی اشکانی است.

و nibušt در تحریر اشکانی به دست خواهد آمد. با این حال نباید از اهمیت تحریر یونانی واژه گذشت؛ زیرا به خوبی تأییدکننده تفاوت میان تحریر اشکانی nibušt و صورت nibišt به معنای «نوشته» است. MacKenzie در مقاله «تیراندازی شاپور» در تحریر پهلوی اشکانی به فعل žāme(n)d اشاره دارد که آوانویسی آن را به صورت

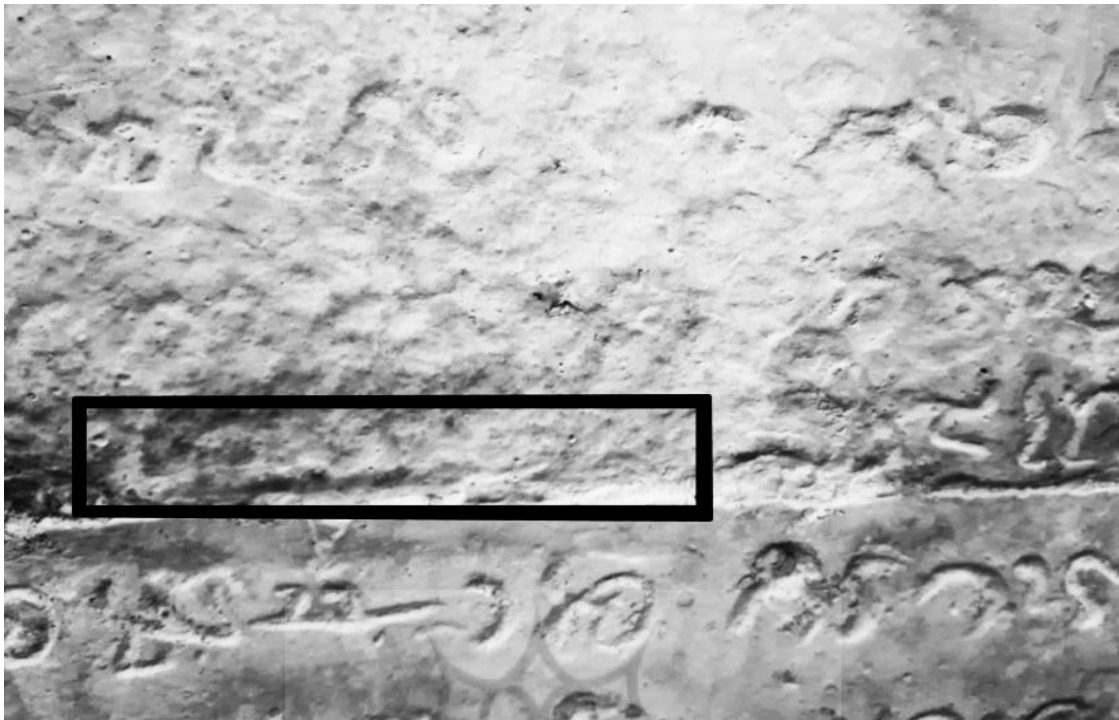


شکل ۳. بخشی از مولاژ تحریر یونانی کتیبه شاپور، واژه vibyst در قاب سیاه مشخص شده است  
عکس از نگارنده



شکل ۴. بخشی از مولاژ تحریر اشکانی کتیبه شاپور، واژه nibušt (حرف نویسی: npwšt) در قاب سیاه مشخص شده است

## عکس از نگارنده



شکل ۵. بخشی از مولاژ تحریر فارسی میانه کتیبه شاپور، واژه مخدوش *nibušt/nibišt* در قاب سیاه مشخص شده است عکس از نگارنده

با پیشوند *ni* واج *p* بی‌واک باستانی به *b* واکدار تبدیل می‌شود و تحریر یونانی  $nībūst = \nu\beta\upsilon\sigma\tau$  آن را تأیید می‌کند؛ زیرا کاتب یونانی به‌صراحت این اسم خاص مکان را نه به‌صورت  $nīpūst = \nu\iota\pi\upsilon\sigma\tau$  بلکه همراه با نویسه  $b = \beta$  ثبت کرده است. گفتنی است با توجه به نبود آوای  $\delta$  در یونانی، همواره به‌جای آن از  $s = \sigma$  استفاده می‌شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، سه پرسش اصلی دربارهٔ واژه «نبوشت» مطرح شد که به‌ترتیب دربارهٔ ریشه‌شناسی کلمه و تفاوت معنایی این واژه با کلمهٔ نوشت از ریشهٔ نوشتن، ارتباط کلمات «نبوشت» ساسانی و «دزنبشت» اسلامی و نیز اطلاق این کلمات به محوطهٔ تاریخی موسوم به «نقش رستم» بوده است. با توجه به دلایلی که در این تحقیق بدان‌ها اشاره شد، می‌توان نتیجه گرفت که معنا و ریشهٔ واژه «نبوشت» با واژه «نبشت/نوشت» متفاوت است و در واقع «نبوشت/نبشت» نام خاص مکان است. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد واژه پهلوی اشکانی *nibušt* (یونانی:  $\nu\beta\upsilon\sigma\tau$ ) که در دورهٔ اسلامی، املائی مشابه با واژه «نبشت» از ریشهٔ «نبشتن/نوشتن»

### ریشه‌شناسی واژه پهلوی اشکانی *nibušt* و اطلاق

#### آن به محوطهٔ موسوم به «نقش رستم»

بنا بر گزارش‌های صفحات پیشین، ممکن است واژه پهلوی اشکانی *nibušt* متفاوت از *nibišt* به معنای «نبشته یا کتیبه» باشد و در واقع واژهٔ *nibušt* اسم خاص مکان است و احتمالاً در اوایل دورهٔ ساسانی به مجموعهٔ موسوم به نقش رستم اطلاق می‌شده است؛ از این‌رو ریشهٔ لغت و معنای آن بررسی شده است. در سنسکریت، واژه‌ای به‌صورت *pr̥ṣṭhā-* وجود دارد که به معنای «پُشت» و نیز به معنای «سینهٔ کوه، قله» آمده است (Mayrhofer KEWA II/337f)؛ بنابراین اگر وجه اشتقاق کلمه به صورت *nipušt <ni-pr̥ṣṭhā\** باشد، می‌توان اجزای جمله را این‌گونه برشمرد: پیشوند *ni* و *pušt* که از *pr̥ṣṭhā-* به معنای «پُشت، پشته، سینهٔ کوه» است؛ بنابراین کلمهٔ *nipušt* را می‌توان «پای کوه، پایین کوه» معنا کرد و با توجه به فرارگیری مجموعهٔ نقش رستم در پای «کوه حسین» امروزی، کاربرد واژهٔ *nipušt* پهلوی اشکانی و «دزنبشت» متون فارسی، عربی و زرتشتی توجیه می‌شود.

واژهٔ فارسی میانهٔ *pušt* (Nyberg, 1964, P. 163) (حرف‌نویسی: *pwšt*) به معنای «پشت» است، اما در ترکیب



است، مجموعه‌ای پراهمیت بوده باشد که به صورت «دزنبشت» در دوران اسلامی تداوم داشته است.

### سپاسگزاری

نویسندگان از تمامی کسانی که آنها را در نوشتن این مقاله یاری رساندند، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

### منابع مالی

منابع مالی این مطالعه توسط نویسندگان تهیه شده است.

### تعارض منافع

بین نویسندگان هیچ‌گونه تعارضی در منافع وجود ندارد.

داشته است، احتمالاً کاربری آن را به‌عنوان محل نگهداری اسناد و متون دولتی و دینی سوق داده و مورخان این دوره و حتی نویسندگان متون دینی پهلوی قرون اسلامی را دچار خطا کرده است؛ بدین ترتیب، واژه «نبوشت» در دوره ساسانی و اصطلاح «دزنبشت» در دوره اسلامی یکسان هستند و با تغییر دوره تاریخی، کلمه «نبوشت» ساسانی به صورت «دزنبشت / دزنبشت» اسلامی به کار رفته است. همچنین، بنا بر دلایل ذکر شده در این پژوهش، کلمه «نبُشت / نبوشت» در کتیبه شاپور بر کعبه زرتشت اسم خاص مکان بوده است که شاپور به صراحت بدان اشاره کرده و یادآور شده است که در آنجا آتشی به نام «خسرو- شاپور» بنا کرده است. از آنجا که این آتش برای شادی روان خود شاپور بوده است، باید مکان موسوم به «نبُشت / نبوشت» که امروزه معروف به نقش رستم

## References

- Back, M. (1978). *Die sassanidischen Staatsinschriften: Studien zur Orthographie und Phonologie des Mittelpersischen der Inschriften zusammen mit einem etymologischen Index des mittelpersischen Wortgutes und einem Textcorpus der behandelten Inschriften*. Bibliotheca Pahlavi.
- Gignoux, P. (1991). Les quatre inscriptions du mage Kirdir: Texte et concordances. Louvain: Peeters.
- Gropp, Gerd (2009). *KA'BA-YE ZARDOŠT* in Encyclopædia Iranica, Vol. XV, Fasc. 3, pp. 271-272
- Henning, W. B. (1963). *Corpus inscriptionum Iranicarum/Pt. 3. Pahlavi inscriptions Vol. 2. Private inscriptions of the classical period Plates 3 Portfolio 3: Minor inscriptions of Kartir together with the end of Naqš-i Rostam*/ed. by WB Henning. *Corpus inscriptionum Iranicarum*.
- Henning, W. B. (Ed.). (1957). *The Inscription of Naqš-i Rostam*. *Corpus Inscriptionum Iranicarum* by Lund Humphries.
- Herrmann, G., Howell, R., & MacKenzie, D. N. (1989). *The Sasanian rock reliefs at Naqsh-i Rostam: Naqsh-i Rostam 6, the triumph of Shapur I; (together with an account of the representations of Kerdir)*. Reimer.
- Huyse, P. (1998). Epigraphy II. Greek inscriptions from Ancient Iran. *Encyclopædia Iranica*, 8, 5.
- Huyse, P. (1999). Die dreisprachige Inschrift Šābuhrs I. an der Ka'ba-i Zardušt/1. *Die dreisprachige Inschrift Šābuhrs I. an der Ka'ba-i Zardušt (ŠKZ)*.
- Liddell, H. G. and Robert Scott (1996). *A Greek-English Lexicon*, Oxford: Clarendon Press.
- Mackenzie, D.N. (1978). "Shapur's Shooting" in: Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London, Vol.41, No.3, pp.499-511.
- Madan, D. M. (1911). The complete text of the Pahlavi Dinkard. Bombay.
- Maricq, A. (1958). *Classica et Orientalia. Syria. Archéologie, Art et histoire*, 35(3), 295-360.
- Schmidt, E. F. (1970). Persepolis/3 The royal tombs and other monuments. *Persepolis*.
- Sprengling, M. (1953). Third Century Iran, Sapor and Kartir. Chicago: Prepared and distributed at the Oriental Institute, University of Chicago.
- Von Gall, Hubertus (2009). *NAQŠ-E ROSTAM*. Retrieve from [www.iranicaonline.org/articles/naqs-e-rostam](http://www.iranicaonline.org/articles/naqs-e-rostam) on Dec. 8: 8 Pages.
- ابن بلخی (۱۳۸۵). *فارسنامه*. تصحیح گای لیسترانج و رینولد آلن نیکلسون. تهران: اساطیر.
- آذرفرینغ (۱۳۸۱). *دینکرد سوم*. ترجمه فریدون فضیلت. ج ۱. تهران: فرهنگ دهخدا.
- میراث باستانی ایران. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.



- طبری، محمد بن جریر (۱۹۷۷). *تاریخ طبری*. تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دارالمعارف.
- عریان، سعید (۱۳۸۲). *راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- فرای، ریچارد (۱۳۸۰). *تاریخ باستانی ایران*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- فیلیپ هویسه (۱۳۹۳). *ادبیات سنگ‌نبشته‌ای به زبان‌های ایرانی کهن و میانه*. تاریخ ادبیات ایران (جلد هفدهم: ادبیات ایران پیش از اسلام)، ویراستار: رونالد امریک، ماریاماتسوخ، احسان یارشاطر. تهران: سخن.
- مکنزی، دیوید نیل (۱۳۹۴). *فرهنگ کوچک پهلوی*. ترجمه مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مینوی، مجتبی (۱۳۹۲). *نامه تنسر به گشنسپ*. تهران: دنیای کتاب.
- بیانی، شیرین (۲۵۳۵). *شامگاه اشکانیان و بامداد ساسانیان*. تهران: دانشگاه تهران.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۵۲). *تاریخ طبری، تاریخ الرسل و الملوک*. ج ۲. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- حسن‌دوست، محمد (۱۳۹۳). *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی*. ج ۱-۵، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- رجبی، پرویز (۱۳۸۰). *دژنبشت. گنجینه اسناد*. ۱۱ (۴)، ۱۳-۶.
- رضایی، مریم (۱۳۹۳). *دینکرد چهارم*. تهران: انتشارات علمی.
- ژینیو، فیلیپ (۱۳۸۶). *ارداویراف‌نامه*. ترجمه ژاله آموزگار. تهران: معین، انجمن ایران‌شناسی فرانسه.
- سامی، علی (۱۳۸۹). *تمدن ساسانی*. ج ۱، تهران: انتشارات سمت.
- شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۵۷). *شرح مصور نقش رستم*. تهران: بنیاد تحقیقات هخامنشی.

